

## تأثیر سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی در مواجهه زنان با رفتارهای غیراخلاقی

علی بقائی سرابی\*

سمیه حق‌شناس\*\*

### چکیده

هدف این مقاله کنکاشی تجربی است درباره تأثیرات مجزا و توأمان سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی در مواجهه زنان و دختران دانشجو با رفتارهای غیراخلاقی. فرضیه اصلی این است که برخورداری هرچه بیشتر از هر دو نوع سرمایه اجتماعی و فرهنگی، احتمال مواجهه زنان با رفتارهای غیراخلاقی را کاهش می‌دهد. جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانشجویان دختر پنج گروه علمی عام در دانشگاه رودهن و تهران تشکیل می‌دهند که در هنگام جمع‌آوری داده‌های این پژوهش، دست کم دو ترم تحصیلی را در این دانشگاه‌ها گذرانده بودند. برای آزمون فرضیه مذکور، حدود ۴۲۰ دانشجوی دانشگاه‌های تهران و رودهن با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای نامتناسب با حجم انتخاب شدند. ابزار اندازه‌گیری پرسش‌نامه ساخت‌یافته محقق‌ساخته‌ای است که از طریق آن اظهارات دانشجویان درباره میزان مواجهه با جرایم اخلاقی و میزان برخورداری از سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی در یک مقطع زمانی گردآوری شد. نتیجه آزمون فرضیه مذکور نشان داد که به‌رغم وجود رابطه مستقیم میان برخورداری از سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی، میان سرمایه فرهنگی و مواجهه با رفتارهای غیراخلاقی رابطه‌ای معماگونه برقرار است؛ به طوری که برخورداری بیشتر از سرمایه اجتماعی بازدارنده مواجهه زنان با رفتارهای غیراخلاقی و برخورداری بیشتر از سرمایه فرهنگی تسهیل‌کننده مواجهه زنان و دختران دانشجو با رفتارهای غیراخلاقی است.

**کلیدواژه‌ها:** قربانیان رفتارهای غیراخلاقی، سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی، زنان و دختران.

\* استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن (نویسنده مسئول) abaghaei@riau.ac.ir

\*\* کارشناس ارشد جمعیت‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن haghshenas37@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۳/۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۹/۱۶

## ۱. مقدمه

تجربه زیسته زنان ایرانی در دوران اخیر مملو از وقوع رفتارهای ناهنجاری است، که به‌رغم تنوعشان، در دو محور رفتارهای غیراخلاقی علیه زنان و دختران و هم‌چنین سلب آرامش اجتماعی از زنان و دختران جمع شده‌اند. به‌راستی علت رشد فزاینده این‌گونه رفتارها، به‌ویژه در برابر زنان و دختران، چیست؟ تبیین‌های قدیم و جدید رفتارهای غیراخلاقی بر سه عامل تأکید می‌کنند: ۱. ویژگی‌های مرتکب‌شوندگان رفتارهای غیراخلاقی؛ ۲. ویژگی‌های قربانیان رفتارهای غیراخلاقی؛ ۳. ویژگی‌های هم‌زمان مرتکب‌شونده و قربانی رفتارهای غیراخلاقی.

بیش‌تر پژوهش‌های انجام‌شده در ایران (به تبعیت از سایر کشورها) با تبیین‌هایی مشخص می‌شوند که بیش‌تر بر ویژگی‌های مرتکب‌شوندگان رفتارهای غیراخلاقی تأکید می‌کنند، اما در دهه اخیر نوعی چرخش تبیینی صورت گرفته است و آن تأکید بر تأثیر ویژگی‌های قربانیان رفتارهای غیراخلاقی در مواجهه آنان با رفتارهای غیراخلاقی است. این چرخش تبیینی در ایران نیز در حال وقوع است. شاید یکی از دلایل این چرخش، اظهارات متولیان امور انتظامی و قضایی در ایران باشد که به‌کرات بر سهم قربانیان در وقوع رفتارهای غیراخلاقی تأکید می‌کنند. گروه هدف طرح‌های انتظامی و قضایی، که با عناوینی مانند طرح امنیت اجتماعی، طرح امنیت اخلاقی، طرح عفاف و حجاب اجرا می‌شوند، بیش از آن‌که مرتکب‌شوندگان رفتارهای غیراخلاقی باشند، قربانیان رفتارهای غیراخلاقی‌اند. پیش‌فرض سیاست‌هایی از این دست احتمالاً این است که در وقوع رفتارهای غیراخلاقی، به‌ویژه رفتارهای غیراخلاقی جنسی، فیزیکی و رابطه‌ای، در برابر زنان و دختران، قربانیان رفتارهای غیراخلاقی دست کم به اندازه مرتکب‌شوندگان رفتارهای غیراخلاقی نقش دارند. در رادیکال‌ترین حالت، چنین تصور می‌شود که برخی رفتارها و ویژگی‌های قربانیان رفتارهای غیراخلاقی (آگاهانه یا ناآگاهانه) موجب عطف توجه مرتکب‌شوندگان به آن‌ها می‌شود و به نحوی نقش محرک یا تسهیل‌کننده رفتارهای غیراخلاقی را ایفا می‌کند.

از طرف دیگر، به‌باور منتقدان سیاست‌های فوق، با فرض نقش تحریک‌کننده یا تسهیل‌کننده قربانیان رفتارهای غیراخلاقی در وقوع رفتارهای غیراخلاقی، آن‌چه اهمیت دارد و از این بابت لازم است سیاست‌ها به آن‌ها معطوف شوند، عوامل ساختاری مؤثر در شکل‌گیری ویژگی‌های قربانیان و مرتکب‌شوندگان رفتارهای غیراخلاقی است. به‌باور این دسته از افراد، عواملی مانند میزان و نابرابری در سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی است که

در تشکیل ویژگی‌های مرتکب‌شوندگان و قربانیان مؤثر است؛ زیرا این ویژگی‌ها خود به‌خود ایجاد نمی‌شوند.

عواملی مانند تفاوت‌ها در شبکه روابط و اعتمادپذیری از مصادیق نابرابری در سرمایه اجتماعی اند که هم مستقیم و هم غیرمستقیم با تأثیرگذاری در ویژگی‌های قربانیان، در ارتکاب رفتارهای غیراخلاقی مؤثرند.

هم‌چنین عواملی مانند تفاوت‌ها در مصرف فرهنگی، منزلت اجتماعی و تحصیلات رسمی از مصادیق نابرابری در سرمایه فرهنگی اند که هم مستقیم و هم غیرمستقیم با تأثیرگذاری در ویژگی‌های قربانیان در ارتکاب رفتارهای غیراخلاقی مؤثرند.

بدین ترتیب، مسئله اصلی این مقاله بررسی رابطه انواع دوگانه سرمایه اجتماعی و فرهنگی با میزان مواجهه (قربانی شدن) زنان با رفتارهای غیراخلاقی است. واژه مواجهه در این جا به تبعیت از رویکرد قربانی‌شناسی، نه به معنای فعلیه، بلکه در معنای اسمیه به کار رفته و به تجربه ناخواسته رفتارهای غیراخلاقی یا روبه‌رو شدن زنان و دختران با رفتارهای غیراخلاقی برمی‌گردد. طبق این رویکرد، کم و کیف تجربه رفتارهای غیراخلاقی تابعی از ویژگی‌های قربانیان، نظیر سرمایه اجتماعی یا فرهنگی آنهاست.

بر اساس این، پرسش‌هایی که به توصیف عوامل مد نظر در این پژوهش مربوط‌اند بدین قرارند:

۱. زنان و دختران دانشجوی روده‌ن و تهران تا چه اندازه با رفتارهای غیراخلاقی مواجه (روبه‌رو) شده‌اند؟
۲. سرمایه اجتماعی زنان و دختران دانشجوی روده‌ن و تهران چقدر است؟
۳. سرمایه فرهنگی زنان و دختران دانشجوی روده‌ن و تهران چقدر است؟
۴. سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی دختران و زنان دانشجو، جداگانه و به‌طور هم‌زمان، چه تأثیری در مواجهه (روبه‌رو شدن) آنها با رفتارهای غیراخلاقی دارد؟

## ۲. ادبیات نظری

بر اساس چرخش پارادایمی طی دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، برای ارائه نظریه‌های قربانی شدن مبنایی به وجود آمد. در این نظریه‌ها فرض بر این است که رفتارهای غیراخلاقی نظامی است که در آن نه تنها مرتکب‌شوندگان بلکه قربانیان نیز در کنار بستر زمانی و مکانی به تسهیل ارتکاب رفتارهای غیراخلاقی کمک می‌کنند (Wilcox, 2010). در این بخش از

مقاله، نخست به تعریف فضای مفهومی رفتارهای غیراخلاقی در قالب این پارادایم پرداخته می‌شود، سپس در قالب مبانی نظری، به بررسی پیشینه‌های پژوهشی، رویکردها و نظریه‌هایی پرداخته می‌شود که در این مقاله در حکم مبنای فرضیه‌پردازی استفاده شده‌اند.

## ۱.۲ تعریف رفتارهای غیراخلاقی

گونه‌شناسی مبتنی بر حقوق جزا بسیاری از رفتارهای غیراخلاقی را نوعی جرم قلمداد می‌کند و آن‌ها به چند دسته تقسیم می‌کند که عبارت‌اند از: جرایم علیه اشخاص (شامل جرایم علیه پیکربندی جسمانی و جرایم علیه شخصیت معنوی)، جرایم علیه اموال و مالکیت، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، جرایم علیه عدالت قضایی، و جرایم علیه عفت و اخلاق عمومی. بنابراین موضوع این مقاله بررسی ترکیبی از این چند دسته با تأکید بر گونه آخر است.

رفتارهای غیراخلاقی علیه عفت و اخلاق عمومی عبارت است از هتک حیثیت، اعتبار، و آبروی فردی و خانوادگی اشخاص که رعایتشان از نظر بیش‌تر افرادی که در جامعه‌ای معین زندگی می‌کنند الزامی است. رعایت این ارزش‌ها با تعابیری نظیر عصمت، عفت و اخلاق جنسی معرفی می‌شود. بر اساس این، هر رفتاری که با رعایت این‌گونه ارزش‌های معتبر اجتماعی مغایر باشد با عنوان رفتارهای غیراخلاقی علیه عفت و اخلاق عمومی کدگذاری می‌شود و مستحق تعقیب و مجازات است.

برخی از مصادیق این رفتارهای غیراخلاقی در قوانین جزایی ایران در قالب حد (مجازات‌هایی که کمیت و کیفیتشان در شرع مشخص شده است) و بعضی دیگر در قالب تعزیرات (مجازات‌هایی از حیث کمی و کیفی در شرع مشخص نشده است) قرار می‌گیرند. آن دسته از رفتارهای غیراخلاقی علیه عفت و اخلاق عمومی، که در زمره حد قرار دارند، عبارت‌اند از: زناى مرد مجرد یا زن مجرد، زناى مرد متأهل یا زن متأهل، زناى به عنف و اکراه و نظایر آن. آن دسته از رفتارهای غیراخلاقی علیه عفت و اخلاق عمومی، که در زمره تعزیرات قرار دارند، عبارت‌اند از: رابطه نامشروع جنسی، رابطه نامشروع لفظی مانند بگو و بخند کردن (چیزی که از دیدگاه فقهی مفاکحه نامیده می‌شود)، تظاهر به عمل حرام در معابر و اماکن عمومی، بدحجابی، دایر کردن مرکز فساد و فحشا یا اداره کردن آن‌ها، تشویق مردم به فساد و فحشا، مداخله ناروا در برخی از اشیای مضر برای اخلاق و عفت عمومی و ایجاد مزاحمت با استفاده از تلفن یا سایر دستگاه‌های مخابراتی و نظایر آن.

مزاحمت جنسی نیز یکی از مصادیق بارز این نوع از رفتارهای غیراخلاقی علیه زنان است که ممکن است در همه مکان‌ها رخ دهد. یکی از نمودهای آزار جنسی، که بانوان ایرانی به‌ویژه در شهرهای بزرگ با آن روبه‌رویند، مزاحمت یا آزار خیابانی است. این پدیده بیش‌تر به شکل لفظی، سد معبر کردن و گاه درگیری فیزیکی رخ می‌دهد. مورد شدیدتر تجاوز به عنف است که هم در بردارنده آسیب‌های روحی و اجتماعی برای زنان است و هم با خشونت، شکنجه، صدمات جسمی و حتی قتل همراه است.

در پژوهش‌های پیشین و نیز در رویکردها و نظریه‌های مرتبط با این رفتارهای غیراخلاقی به عواملی پرداخته شده است که زمینه‌ساز، تسهیل‌کننده یا علت اصلی مواجهه زنان با این‌گونه رفتارهای غیراخلاقی به شمار می‌روند (Awan et al., 2011)؛ عواملی نظیر کسب لذت جنسی، طبقه، فرهنگ مردانگی و مردسالاری، اختلال در هویت جنسی و اقتدارطلبی جنسی مردان. اما نباید از نظر دور داشت که در ادبیات جدید، برخی از این عوامل در قالب چهارچوب مفهومی سرمایه (در انواع و اشکال مختلف آن) بازنمایی شده و با لنز نظریه‌های قربانی شدن در تبیین چرایی مواجهه زنان با رفتارهای غیراخلاقی به کار گرفته شده‌اند. در این چهارچوب، مفهومی که با تلاش‌های بوردیو به بار نشسته است، چهار نوع سرمایه شناسایی شده که عبارت‌اند از: سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی، سرمایه اقتصادی و سرمایه نمادین. در این‌جا با تکیه بر دو نوع نخست چهارچوب مفهومی مذکور به تبیین مسئله پرداخته شده است.

## ۲.۲ سرمایه اجتماعی و مواجهه با رفتارهای غیراخلاقی

سرمایه اجتماعی از مفاهیم رایج در علم اقتصاد، نظیر سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی برگرفته شده و تقریباً از دهه ۱۹۸۰ وارد متون توسعه اقتصادی، جامعه‌شناسی و سیاسی شده است و مفهومی میان‌رشته‌ای است که در آثار افرادی مانند جیمز کلمن، پیر بوردیو، رابرت پاتنام و فرانسیس فوکویاما نقش برجسته‌ای دارد. پیر بوردیو سرمایه اجتماعی را مجموعه منابع مادی یا معنوی‌ای می‌داند که به یک فرد یا گروه اجازه می‌دهد شبکه پایداری از روابط کم و بیش نهادینه‌شده برای آشنایی و شناخت متقابل را در اختیار داشته باشد.

جیمز کلمن سرمایه اجتماعی را هر چیزی می‌داند که در قالب شبکه روابط، اعتماد، حس عمل متقابل و هنجارهای اجتماعی نمود یافته است و فعالیت فردی یا اجتماعی را تسهیل می‌کند. با این تعریف، سرمایه اجتماعی منبعی خنثی است که هر نوع عملی را تسهیل می‌کند، اما این‌که جامعه از آن نفع می‌برد یا خیر کاملاً به کاربرد آن در موقعیتی

خاص وابسته است. بنا بر تعریف فرانسیس فوکویاما، سرمایه اجتماعی هنجارها یا ارزش‌های به اشتراک گذاشته شده‌ای است که موجب تقویت همکاری اجتماعی بر اساس روابط اجتماعی واقعی می‌شود. همچنین رابرت پاتنام سرمایه اجتماعی را تقویت‌کننده همکاری و به طور هم‌زمان گسترش‌دهنده روابط حمایتی دوجانبه در اجتماعات می‌داند. با این تعریف، سرمایه اجتماعی ابزاری ارزش‌مند برای مبارزه با بسیاری از نارسایی‌های اجتماعی در جوامع مدرن همانند جرایم است.

با مروری بر ادبیات مربوط به سرمایه اجتماعی مشخص می‌شود که این مفهوم دست کم شامل دو عنصر است؛ ۱. پیوند ذهنی میان افراد که شامل ماهیت متقابل مبتنی بر اعتماد و هیجان‌ات مثبت است؛ ۲. پیوندهای عینی میان افراد که به ساختار شبکه‌ای ارتباطات عینی میان افراد برمی‌گردد.

**۱. اعتماد:** نظریه‌پردازانی مانند آنتونی گیدنز بین دو نوع اعتماد تمایز قائل می‌شوند؛ اعتماد به افراد خاص و اعتماد به افراد یا نظام‌های انتزاعی. اعتماد انتزاعی دربرگیرنده آگاهی از مخاطره و فرد مورد اعتماد است؛ بنابراین در حالی که کنش‌گر قادر است به راحتی درباره میزان ارزش اعتماد به افراد خاص قضاوت کند (بر اساس اطلاعات مربوط به تاریخچه آن فرد و همچنین انگیزه‌ها و شایستگی‌های او) می‌تواند درباره میزان ارزش اعتماد به دیگران تعمیم‌یافته نیز ایده‌ها و باورهای داشته باشد. افراد می‌توانند درباره میزان ارزش اعتماد به نظام‌های انتزاعی، نظیر نهادها، نیز باورهایی داشته باشند. از این فرایند با عنوان سطح نهادی اعتماد نام برده می‌شود.

**۲. پیوندهای اجتماعی:** دومین جزء سرمایه اجتماعی بیان‌گر پیوندهای عینی میان افراد و به عبارت دیگر ارتباطات آن‌ها با یکدیگر است. این پیوندهای میان افراد ممکن است از دو نوع رسمی (عضویت در انجمن‌ها و گروه‌های داوطلبانه) و غیررسمی (دوستی یا پیوندهای عاطفی، نزدیکی در فضا مانند همسایگی یا مجاورت مکانی در اداره، روابط خویشاوندی و نظایر آن) باشد. پیوندهای غیررسمی، نظیر دوستی‌های غیررسمی فرد با هم‌کلاسی‌های قدیمی، هم‌کاران یا دوست یک دوست ممکن است از طریق تأمین ارتباطات، تراوش اطلاعات و حمایت اجتماعی به تقویت سرمایه اجتماعی آن فرد بینجامد. پرسش اصلی در این باره این است که آیا برخورداری زنان از سرمایه اجتماعی بیشتر برای مواجهه آن‌ها با رفتارهای غیراخلاقی فرصت‌های بیشتری می‌آفریند یا خیر؟ با مروری بر پیشینه پژوهش‌های مرتبط با این موضوع پاسخی درخور برای این پرسش به دست می‌آید.

در پژوهشی با عنوان «پارادوکس سازمان اجتماعی: شبکه‌ها، اثربخشی جمعی و جرایم خشن در محلات شهری» به معرفی و آزمون فرضیه جدیدی درباره رابطه ابعاد دوگانه سرمایه اجتماعی، یعنی شبکه‌های اجتماعی و اثربخشی جمعی جرایم پرداخته شده است. فرضیه اصلی این است که با وجود این که شبکه‌های اجتماعی به اثربخشی جمعی در سطح محلی منجر می‌شوند، اما قادرند برای تأمین سرمایه اجتماعی مرتکب‌شوندگان رفتارهای غیراخلاقی منبعی فراهم کنند و از این طریق اثربخشی جمعی را کاهش دهند. داده‌ها از سرشماری سال ۱۹۹۰ آمریکا، پیمایش محله‌ای در سال‌های ۱۹۹۴-۱۹۹۵ و هم‌چنین داده‌های پروژه خودکشی در شیکاگو در سال‌های ۱۹۹۵-۱۹۹۷ به دست آمده است. نتایج این پژوهش نشان داد در محلاتی که شبکه‌های اجتماعی قوی‌تری وجود دارد اثربخشی محله بر رفتارهای غیراخلاقی کاهش می‌یابد (Browning et al., 2004). به سخن دیگر، سرمایه اجتماعی به‌رغم کارکردهای مثبتش به تسهیل مواجهه زنان با رفتارهای غیراخلاقی نیز کمک می‌کند.

در پژوهش دیگری با عنوان «سرمایه اجتماعی، کنترل اجتماعی و تغییر در نرخ قربانی شدن»، به بررسی تغییر در نرخ قربانی شدن در ۴۱ محله کارولینای جنوبی در فاصله سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ پرداخته شده است. داده‌ها در دو موج زمانی سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ از حدود ۳۰۰۰ شهروند گردآوری شده است. نتایج این پژوهش نشان داد که سرمایه اجتماعی با ساز و کار کنترل اجتماعی، تغییرات در نرخ قربانی شدن را توضیح می‌دهد. به عبارت دقیق‌تر، سرمایه اجتماعی با دو ساز و کار کنترل بوروکراسی حاکمیتی و محله‌ای موجب کاهش نرخ مواجهه با رفتارهای غیراخلاقی می‌شود. بر اساس این تحقیق، با این که سازمان‌یافتگی محلی، حتی در صورت فقدان پلیس، بر نرخ مذکور تأثیر کاهشی دارد، اما همکاری پلیس با ساکنان کاهش بیش‌تر مواجهه با رفتارهای غیراخلاقی را موجب می‌شود. نتایج این تحقیق حاکی از تأثیر فقر سرمایه اقتصادی در کاهش سطح وفاق هنجاری، کاهش کنترل خصوصی و کنترل محدودشده است و در کل به افزایش نرخ مواجهه با رفتارهای غیراخلاقی می‌انجامد (Hawdon and Ryan, 2009).

«رابطه میان سرمایه اجتماعی و جرایم دوره نوجوانی: نقش عوامل فردی و ساختاری» عنوان پژوهش دیگری است که با هدف آزمون رابطه میان سرمایه اجتماعی و رفتارهای غیراخلاقی، با ثابت نگه داشتن متغیرهای ساختاری و فردی انجام شده است. داده‌های این پژوهش از نمونه‌ای ۵۱۴۲ نفری از نوجوان ۱۵-۱۶ ساله فنلاندی به دست آمد. نتایج تحلیل چندسطحی نشان داد که وقتی متغیرهای ساختاری و فردی کنترل شوند، ابعاد گوناگون

سرمایه اجتماعی، نظیر حمایت کم والدین، کنترل پایین معلمان و اعتماد پایین اجتماعی با مواجهه با رفتارهای غیراخلاقی رابطه مثبتی نشان می‌دهند. به سخن دیگر، هرچه سطح حمایت دریافتی از والدین و معلمان پایین‌تر باشد، مواجهه بیش‌تری با رفتارهای غیراخلاقی به وقوع می‌پیوندد (Salmi and Kivivuori, 2006).

در پژوهشی دیگر با عنوان «اندازه مدرسه، سرمایه اجتماعی و قربانی شدن دانش‌آموزان»، از سرمایه اجتماعی به مثابه میانجی رابطه اندازه مدرسه و مواجهه با رفتارهای غیراخلاقی استفاده می‌شود. داده‌ها از مطالعه ملی پیش‌گیری از ناهنجاری در مدارس برگرفته شده است. نتایج نشان داده که اندازه مدرسه به‌تنهایی در مواجهه با رفتارهای غیراخلاقی تأثیری ندارد مگر از طریق سرمایه اجتماعی (Gottfredson and DiPietro, 2011).

«اعتماد در مدارس: یک منبع بی‌بدیل برای بهبود» عنوان پژوهشی است که در آن ادعا شده است سرمایه اجتماعی با ایجاد سد میان کنش‌گران موجب تقویت تعهدات اخلاقی در میان کنش‌گران حاضر در محیط آموزشی می‌شود. حسب نتایج این پژوهش، تعهد به انتظارات اخلاقی زمینه‌ساز تسهیل یا بازدارندگی مواجهه با رفتارهای غیراخلاقی می‌شود. محیط‌های آموزشی، که به لحاظ رابطه‌ای خوب سازمان یافته باشند و اهداف مشترکی داشته باشند، کنش‌گران مشمول خود را با رفتارهای غیراخلاقی کم‌تری مواجه می‌کنند (Bryk and Schneider, 2002).

در پژوهش دیگری با عنوان «آیا سرمایه انسانی و اجتماعی مادران آمریکایی افریقایی تبار را از افسردگی ناشی از تبعیض قومی و تجربه خشونت محافظت می‌کند؟» ادعا شده که ۱. انواع سرمایه زمینه‌ساز افزایش بهبود اجتماعی است؛ ۲. سرمایه فیزیکی (درآمد و ثروت) به ارتقای کیفیت مادی زندگی کمک می‌کند؛ ۳. سرمایه انسانی، شامل خصوصیات شخصی و مهارت‌هایی است که به بهره‌وری و بهبود عمومی کمک می‌کند و ۴. سرمایه اجتماعی شامل پیوندهای اجتماعی است که به افت فرد کمک می‌کند. برای آزمون این ادعاها در این پژوهش به گردآوری و بررسی داده‌های حاصل از مطالعه مقطعی مادران آمریکایی افریقایی تبار، که در کلان‌شهری مملو از خشونت زندگی می‌کنند، پرداخته شده است. ملاک تعیین منطقه مزبور، وقوع ۱۴۱۴ مورد رفتار غیراخلاقی خشن به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر است. نتایج نشان داده است که سرمایه اجتماعی اثرهای منفی استرس‌زا در زندگی را کاهش می‌دهد و از این طریق مانع مواجهه آن‌ها با جرایم خشن می‌شود (Lewin et al., 2011).

آنچه از پژوهش‌های فوق استنباط می‌شود این است که سرمایه اجتماعی با مواجهه با



رفتارهای غیراخلاقی رابطه‌ای مثبت یا منفی دارد. در پژوهش‌هایی که به طور مقطعی انجام شده‌اند در مواردی به رابطه‌ی یک‌طرفه و در مواردی به رابطه‌ی دوطرفه سرمایه‌ی اجتماعی و مواجهه با رفتارهای غیراخلاقی برمی‌خوریم، اما در پژوهش‌های طولی، وجود رابطه میان این دو قطعی قلمداد نمی‌شود. نکته‌ی مهم در این پژوهش‌ها وجود رابطه میان این دو از رهگذر فعال‌سازی ساز و کار کنترل اجتماعی و علقه‌های اجتماعی توجیه‌پذیر است (Bryk and Schneider, 2002; Hawdon and Ryan, 2009; Salmi and Kivivuori, 2006; ) (Paludi and Barickman, 1991).

### ۳.۲ سرمایه فرهنگی و مواجهه با رفتارهای غیراخلاقی

به رغم ریشه‌داری این مفهوم در آثار اندیشمندان علوم انسانی در دهه ۱۹۷۰ (Johnson, 2009)، پیر بوردیو در معرفی و راه‌اندازی مفهوم سرمایه فرهنگی در راستای تحلیل و تبیین پدیده‌های اجتماعی از حیث فرهنگی نقش بی‌بدیلی دارد. از دیدگاه وی، سرمایه فرهنگی به قدرت شناخت و قابلیت استفاده از کالاهای فرهنگی کنش‌گران برمی‌گردد. بر اساس این، سرمایه فرهنگی به مثابه دانشی (شناختی) قلمداد می‌شود که کنش‌گران را به تفسیر کدهای فرهنگی گوناگون توانا می‌سازد.<sup>۱</sup> این اندیشمند اجتماعی برای سرمایه فرهنگی سه سویه قائل است: ۱. سویه تجسم‌یافته که ترتیبات دیرپای ذهن و بدن را شامل می‌شود؛ ۲. سویه عینیت‌یافته که به صورت کالاهای فرهنگی مانند تصاویر، کتب، کامپیوتر و هنر بروز می‌یابد؛ ۳. سویه نهادی‌شده که از طریق مدارک رسمی و دیگر نشان‌گرهای پایگاه فرهنگی بازنمایی می‌شود. سرمایه فرهنگی مجموعه‌ای از روابط، معلومات و امتیازات است که کنش‌گر برای حفظ کردن یا به دست آوردن موقعیتی اجتماعی از آن استفاده می‌کند. بدین ترتیب، سرمایه فرهنگی به عادت‌واره‌هایی برمی‌گردد که در میدان زندگی استفاده می‌شود تا به حفظ، بازتولید یا ارتقای سرمایه‌های متنوع بینجامد.

با این مقدمه، در این جا به طرح مجهول دیگر این مقاله پرداخته می‌شود که عبارت است از این پرسش که این نوع سرمایه چه رابطه‌ای با مواجهه زنان با رفتارهای غیراخلاقی دارد؟ به سخن دیگر، برخورداری بیش‌تر از این نوع سرمایه، برای زنان در عرصه مواجهه با رفتارهای غیراخلاقی تهدید است یا فرصت؟

جست‌وجو در پیشینه پژوهش‌هایی که به کنکاش درباره این رابطه پرداخته‌اند بیان‌گر آن است که برخورداری بیش‌تر از برخی از سویه‌های سرمایه فرهنگی، میزان مواجهه با

رفتارهای غیراخلاقی را کاهش می‌دهد، اما میان کل سازه سرمایه فرهنگی و مواجهه با رفتارهای غیراخلاقی رابطه مشخصی دیده نمی‌شود.

نتایج یکی از این پژوهش‌ها با عنوان «مواجهه با رفتارهای خشن و ترس‌آمیز در میان مادران خودسرپرست: اهمیت سبک زندگی، همسایگی و وضعیت رفاهی» نشان داده که تفاوت زنان در سطح مواجهه با جرایم خشن بر حسب تفاوتشان در سطح برخورداری از منابع رفاهی فردی تبیین می‌شود و مؤلفه اصلی سرمایه فرهنگی (سبک زندگی) و مؤلفه اصلی سرمایه اجتماعی (شبکه همسایگی) رابطه معینی با مواجهه با رفتارهای غیراخلاقی ندارند. داده‌های این پژوهش از نتایج پیمایش سالانه شرایط زندگی در سوئد با نمونه‌ای ۱۷۱۳ نفری از مادران خودسرپرست اخذ شده است (Estrada and Nilsson, 2004).

در پژوهش دیگری با عنوان «معباری به سوی طیف خشونت جنسی: یک نظریه قربانی شدن در شبانگاه شهری» با استفاده از داده‌های به دست آمده از مصاحبه با ۲۰ زن، که در شبانگاه شهری فعالیت داشتند، و نیز با مشاهده مستقیم ۳۳ حادثه در شبانگاه شهری، چنین ادعا شده است که عوامل خطررزی گوناگون فقط با مداخلیت عوامل فرهنگی، نظیر ذائقه‌های فرهنگی و سبک زندگی در میزان مواجهه زنان با رفتارهای غیراخلاقی مؤثر است (Kavanaugh, 2014).

سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته بخش شایان توجهی از تبیین‌های فرهنگی قربانی شدن را به خود اختصاص داده است. برای نمونه، نتیجه حاصل شده از پژوهش «بازاندیشی درباره جرایم تقلیل‌دهنده اثر تحصیلات: نقش سرمایه اجتماعی و جرایم سازمان‌یافته» نشان داد که افزایش سطح تحصیلات موجب افزایش سرمایه اجتماعی شده و از آن طریق، مواجهه با رفتارهای غیراخلاقی کاهش می‌یابد (Brilli and Tonello, 2014).

آنچه از پژوهش‌های فوق استنباط می‌شود این است که سرمایه فرهنگی در تبیین مواجهه زنان با رفتارهای غیراخلاقی عامل مستقلی به شمار نمی‌آید؛ بلکه اغلب در حکم میانجی، حامل اثرهای عوامل ساختاری و کنشی است. اثرهای سرمایه فرهنگی در حفظ و نگهداری موقعیت یا تغییر موقعیت افراد در سلسله‌مراتب ساختارهای اجتماعی، حفظ یا تغییر سبک زندگی، حفظ یا تغییر هویت اجتماعی، مشارکت اجتماعی و نظایر آن بازتاب می‌یابد. هم‌چنین در صورت برابری در توزیع سرمایه فرهنگی، بیش‌تر اعضای جامعه به منابع معرفتی دسترسی بیش‌تری می‌یابند، خردگرایی در عرصه‌های مختلف زندگی بالا می‌رود، سطح مشارکت همگانی در تولیدات و خلاقیت‌های علمی و فرهنگی ارتقا می‌یابد، دانش‌های نوین و گردش اطلاعات به صورت افقی و عمودی رشد می‌کند و رشد

شخصیتی برای بیش‌تر افراد جامعه امکان‌پذیرتر می‌شود (چلبی، ۱۳۷۵)؛ هریک از این عوامل قابلیت کاهش مواجهه زنان با رفتارهای غیراخلاقی را دارند، اما نه به صورت مستقیم.

برای معقول‌ساختن این نتایج به چند دستاویز نظری تکیه می‌شود:

۱. به علت سیالیت بالای سرمایه فرهنگی، این سرمایه به راحتی به سایر انواع سرمایه تبدیل می‌شود. در این حالت، نوعی مغالطه عامل محتمل است؛ به طوری که اثر سرمایه فرهنگی در ذیل اثر انواع سرمایه‌ها فهم می‌شود. به رغم استدلال بورديو مبنی بر این‌که سرمایه اقتصادی می‌تواند برای صاحب آن سرمایه فرهنگی و اجتماعی بیافریند و متقابلاً سرمایه فرهنگی می‌تواند سرمایه اقتصادی را بازتولید کند، اما مسئله تعیین‌کننده در نظریه بورديو ادعای او در این مورد است که این سرمایه فرهنگی است که ایجادکننده تفاوت میان کنش‌گران در کم و کیف کنش‌های اجتماعی و ثبات بخشیدن به آن‌هاست؛

۲. سرمایه فرهنگی به طور جهان‌شمول صورت‌بندی نشده است که در هر موقعیتی اثر واحدی بر مواجهه با رفتارهای غیراخلاقی داشته باشد، بلکه کم و کیف آن بستگی به میدان دارد. برای مثال، در میدان دانشگاهی، نمرات درسی، مدارج و مدارک تحصیلی و رتبه اساتید نمایان‌گر سرمایه آن‌ها در این میدان است و کنش‌گران این میدان، با کسب سرمایه فرهنگی بیش‌تر، مواضع برتری را به دست می‌آورند و با بازتولید قدرت خود به دفع خطرات احتمالی می‌پردازند و با جرایم خاص آن میدان کم‌تر مواجه می‌شوند؛ بنابراین آنچه در میدان دانشگاهی سرمایه فرهنگی به شمار می‌رود، خاص این میدان است و میدان‌های دیگر، نظیر میدان سیاسی و دینی از آن تبعیت نمی‌کنند؛ بنابراین برخوردار بودن بیش‌تر از سرمایه فرهنگی الزاماً از مواجهه زنان با رفتارهای غیراخلاقی در میدان‌های غیردانشگاهی نمی‌کاهد.

### ۳. فرضیه‌ها

در پاسخ به پرسش تبیینی این مقاله (سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی دختران و زنان دانشجو، جداگانه و به طور هم‌زمان، چه تأثیری در مواجهه آن‌ها با رفتارهای غیراخلاقی دارد؟) با اتکا به مطالب فوق، گمانه‌های زیر مطرح می‌شود:

۱. سرمایه اجتماعی با فعال‌سازی ساز و کارهای کنترل اجتماعی و علقه‌های اجتماعی، مواجهه زنان و دختران دانشجو با رفتارهای غیراخلاقی را کاهش می‌دهد. این فرضیه بر مبنای بیش‌تر ادعاهای نظری معقول و نتایج پژوهش‌های تجربی، به شکل جهت‌دار و مستقیم طرح می‌شود؛

۲. سرمایه فرهنگی با مواجهه زنان و دختران دانشجویان با رفتارهای غیراخلاقی رابطه دارد. این فرضیه بر مبنای ادعاهای نظری و نتایج پژوهش‌های تجربی به شکل غیر جهت‌دار طرح می‌شود؛

۳. سرمایه فرهنگی، در صورتی که به افزایش سرمایه اجتماعی منجر شود، در کاهش مواجهه زنان و دختران دانشجویان با رفتارهای غیراخلاقی اثر مثبتی خواهد داشت. این فرضیه بر مبنای ادعاهای نظری و نتایج پژوهش‌های تجربی به شکل جهت‌دار و مستقیم طرح می‌شود؛

۴. سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی به طور هم‌زمان بخش‌شایان توجهی از تغییرات در مواجهه زنان و دختران دانشجویان با رفتارهای غیراخلاقی را تبیین می‌کنند؛ با این تصریح که به دلیل اثر غیرمستقیم، سهم سرمایه فرهنگی بیش‌تر از سرمایه اجتماعی برآورد می‌شود.

#### ۴. روش پژوهش

طرح تحقیق این پژوهش غیرآزمایشی از نوع پیمایش است. طبق آن، نمونه‌ای از زنان و دختران مشغول به تحصیل دانشگاه رودهن و تهران انتخاب شدند و اظهاراتشان درباره میزان مواجهه با رفتارهای غیراخلاقی و میزان برخورداری از سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی در یک مقطع زمانی گردآوری شد.

ابزار اندازه‌گیری پرسش‌نامه ساختاریافته محقق‌ساخته‌ای است که روایی محتوایی‌اش با قضاوت ده متخصص در حوزه جرایم و آسیب‌های اجتماعی تأیید و نظراتشان درباره کیفیت و تناسب مواد پرسش‌نامه با سازه‌های نظری پژوهش اعمال شد. پایایی ابزار تحقیق نیز به روش هم‌سانی درونی با استفاده از محاسبه ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد. مقدار این ضریب برای متغیر مواجهه با رفتارهای غیراخلاقی (متشکل از ۲۴ نشان‌گر) برابر با ۰/۸۴ برای متغیر سرمایه اجتماعی (ساخته‌شده از ۳۸ نشان‌گر) برابر با ۰/۸۰ و برای متغیر سرمایه فرهنگی (متشکل از ۱۸ نشان‌گر) برابر با ۰/۹۰ به دست آمد که از هم‌سانی درونی قابل قبول میان نشان‌گرهای هر متغیر حکایت می‌کند. متغیرهای مد نظر با تجمیع غیروزی نشان‌گرهای اندازه‌گیری‌شده در قالب طیف لیکرت ۵ درجه‌ای و تقسیم آن بر تعداد نشان‌گرها محاسبه شد. بدین ترتیب دامنه هر یک از متغیرها از مقدار ۱ (پایین‌ترین مقدار) تا ۵ (بالا‌ترین مقدار) متغیر است.

جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانشجویان دختر پنج گروه علمی (انسانی، فنی و مهندسی، پایه، کشاورزی و پزشکی) در دانشگاه رودهن و تهران تشکیل می‌دهند که در

هنگام گردآوری داده‌های این پژوهش، دست‌کم دو ترم تحصیلی را در این دانشگاه‌ها گذرانده بودند. حجم نمونه بر اساس فرمول برآورد حجم نمونه کوکران در حدود ۴۰۰ نفر محاسبه شد. روش نمونه‌گیری احتمالی از نوع طبقه‌ای نامتناسب با حجم است و طبق آن، تعداد مساوی از دانشجویان رشته‌های مختلف به طور تصادفی انتخاب شدند. اطلاعات حاصله با استفاده از برنامه‌های رایانه‌ای SPSS 22.0 از طریق فنون جدول‌سازی، نموداربندی و محاسبه شاخص‌های آماری (پارامتری یا ناپارامتری) تجزیه و تحلیل شد.

## ۵. یافته‌ها

در این بخش نخست به توصیف سیمای کلی شرکت‌کنندگان در پژوهش از حیث نوع دانشگاه محل تحصیل، وضعیت تأهل، سن، وضعیت اشتغال، دوره تحصیلی و شرایط اقتصادی پرداخته شده است. سپس به توصیف کم و کیف توزیع متغیرهای مواجهه با رفتارهای غیراخلاقی، سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی پرداخته شده است و در نهایت نتایج به دست آمده از آزمون فرضیه‌های مطروحه گزارش شده است.

### ۱.۵ سیمای کلی شرکت‌کنندگان در پژوهش

در این پژوهش ۲۱۴ دانشجوی دانشگاه تهران و ۲۰۶ دانشجوی دانشگاه رودهن (به ترتیب ۵۱ و ۴۹ درصد) و در مجموع ۴۲۰ نفر مشارکت کردند. این دانشجویان در دامنه سنی ۱۹ تا ۴۵ سال با میانگین حدود ۲۸ سال قرار دارند و ۲۱۶ نفر (۵۱ درصد) از آن‌ها مجرد، ۱۶۸ نفر (۴۰ درصد) متأهل و ۳۶ نفر (حدود ۹ درصد) دیگر به هر دلیلی همسرشان را از دست داده‌اند. ۲۱۷ نفر (۵۲ درصد) از آن‌ها غیرشاغل و ۲۰۳ نفر دیگر (۴۸ درصد) شاغل‌اند. ۲۲۵ نفر (۵۴ درصد) از این دانشجویان در دوره کارشناسی و ۱۹۵ نفر دیگر (۴۶ درصد) در دوره کارشناسی ارشد مشغول به تحصیل‌اند. ۲۶ نفر (۶ درصد) از دانشجویان شرکت‌کننده وضعیت کلی اقتصادی خود و خانواده‌شان را به لحاظ ذهنی در طبقه بالا، ۱۵۰ نفر (۲۵ درصد) در طبقه متوسط رو به بالا، ۱۹۰ نفر (۴۵ درصد) در طبقه متوسط رو به پایین، ۷۳ نفر (۱۷ درصد) در طبقه کارگر و ۲۶ نفر دیگر (۶ درصد) در طبقه پایین ارزیابی کردند.

### ۲.۵ توصیف متغیرهای وابسته و مستقل

در این بخش از مقاله به این پرسش‌های توصیفی پاسخ داده شده است که زنان و دختران

۸۶ تأثیر سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی در مواجهه زنان با رفتارهای غیراخلاقی

دانشجو تا چه اندازه با رفتارهای غیراخلاقی مواجه شده‌اند؟ سرمایه اجتماعی زنان و دختران دانشجو چقدر است؟ سرمایه فرهنگی زنان و دختران دانشجو چقدر است؟ متغیر مواجهه با رفتارهای غیراخلاقی به منزله متغیر وابسته این پژوهش، از ترکیب ۲۴ نشان‌گری که در یک طیف مواجهه ۵ درجه‌ای (اصلاً، یک تا دو بار، سه تا پنج بار، شش تا ده بار، بیش از ده بار) اندازه‌گیری شده بودند شکل گرفته است. توزیع این متغیر و نشان‌گرهای آن در جدول ۱ ملاحظه می‌شود. کم‌ترین و بیش‌ترین میزان مواجهه با رفتارهای غیراخلاقی به ترتیب، در حدود ۱/۳۳ و ۲/۷۱ واحد است. دانشجویان مذکور به طور متوسط در حدود ۱/۸۷ واحد، یعنی در حدود سه تا پنج بار با رفتارهای غیراخلاقی مواجه شده‌اند. مقایسه میانگین‌های نشان‌گرهای مذکور در جدول ۱ نشان می‌دهد که دانشجویان شرکت‌کننده بیش از همه با جرایمی اخلاقی نظیر نگاه هیز (۳/۴۶)، تحسین قیافه و اندام (۳/۳۱)، تقاضای شماره تلفن (۲/۵۱) و لمس کردن اندام (۲/۴۷) مواجه بوده و کم‌تر از همه، با جرایمی نظیر جراحت جسمی نظیر چاقو زدن (۱/۲۶)، ضربه جسمی نظیر سیلی زدن (۱/۲۶)، حبس کردن در خودرو یا اتاق (۱/۲۲) و صدمه جسمی نظیر شکاندن بینی و دست (۱/۱۸) روبه‌رو شده‌اند.

جدول ۱. توزیع متغیر مواجهه با رفتارهای غیراخلاقی (تعداد = ۴۲۰)

انحراف معیار	میانگین	حداکثر	حداقل	
۰/۸۵۷	۲/۳۷	۴	۱	نگاه ترس‌برانگیز
۱/۳۲۴	۳/۴۶	۵	۱	نگاه هیز
۰/۷۰۳	۱/۸۲	۴	۱	فحش زیک
۰/۷۵۸	۲/۰۱	۴	۱	تهدید فیزیکی
۱/۰۷۵	۲/۴۷	۵	۱	لمس کردن اندام
۰/۸۵۱	۲/۶۲	۴	۱	تنه زدن
۱/۱۰۸	۲/۱۸	۵	۱	پیش‌نهاد رابطه جنسی
۱/۱۰۸	۲/۶۲	۴	۱	تهدید به تجاوز
۰/۸۶۵	۲/۶۲	۴	۱	مسخره کردن قیافه و اندام
۱/۱۴۰	۳/۳۱	۵	۱	تحسین قیافه و اندام
۰/۷۲۷	۱/۶۲	۴	۱	نشان دادن اسلحه، نظیر چاقو
۰/۵۳۱	۱/۵۸	۳	۱	نشان دادن اندام جنسی

۰/۷۸۳	۲/۲۲	۴	۱	فریاد زدن بی مورد
۰/۶۹۱	۲/۲۲	۴	۱	تعقیب کردن مشکوک
۱/۰۰۲	۲/۴۹	۵	۱	دادن شماره تلفن
۱/۰۴۹	۲/۵۱	۴	۱	تقاضای شماره تلفن
۰/۹۱۲	۲/۲۹	۴	۱	استفاده از عبارات سکسی
۱/۷۹۱	۱/۹۷	۴	۱	مزاحمت تلفنی
۰/۵۳۱	۱/۳۵	۴	۱	سوء استفاده جنسی
۰/۴۴۱	۱/۲۶	۲	۱	ضربه جسمی، نظیر سیلی زدن
۰/۳۸۵	۱/۱۸	۲	۱	صدمه جسمی، نظیر شکافتن بینی
۰/۴۴۰	۱/۲۶	۲	۱	جراحی جسمی، نظیر چاقو زدن
۰/۴۴۵	۱/۲۲	۳	۱	حبس کردن در خودرو یا اتاق
۰/۵۸۷	۱/۴۲	۳	۱	اذیت و آزار جسمی
۰/۳۹۰	۱/۸۷	۲/۷۱	۱/۳۳	مواجهه با رفتارهای غیراخلاقی

متغیر سرمایه اجتماعی، به منزله یکی از متغیرهای مستقل این پژوهش، از ترکیب دو بعد اصلی، یعنی اعتماد (بین شخصی و نهادی) و شبکه اجتماعی، که به ترتیب با ۲۴ و ۱۴ نشانگر در یک طیف ۵ درجه‌ای (اصلاً، خیلی کم، کم، زیاد و خیلی زیاد) اندازه‌گیری شده، حاصل شده است. توزیع این متغیر و ابعاد آن در جدول ۲ ملاحظه می‌شود.

کم‌ترین میزان سرمایه اجتماعی دانشجویان در حدود ۲ واحد و بیش‌ترین آن در حدود ۳/۷۶ واحد است. در حالی که متوسط سرمایه اجتماعی در حدود ۲/۹ واحد، یعنی در حد متوسط است، اما این مقدار را بیش‌تر بعد اعتماد (با میانگین ۲/۹۴) تقویت کرده است تا بعد شبکه اجتماعی (با میانگین ۲/۸۵).

جدول ۲. توزیع متغیر سرمایه اجتماعی (تعداد=۴۲۰)

انحراف معیار	میانگین	حداکثر	حداقل		
۰/۴۹۹۳	۳/۲۱۵۵	۴/۶۸	۱/۴۷	اعتماد بین شخصی	اعتماد
۰/۷۱۲۷	۲/۶۴۶۷	۴/۶۰	۱/۰۰	اعتماد نهادی	
۰/۴۸۰۱	۲/۹۴۲۲	۴/۲۷	۲/۰۴	اعتماد	
۰/۵۱۴۹	۲/۸۵۴۱	۴/۱۴	۱/۳۶	شبکه اجتماعی	
۰/۳۸۲۶	۲/۸۹۵۸	۳/۷۶	۲/۰۳	سرمایه اجتماعی	

توزیع نشان‌گرهای هریک از ابعاد مذکور در جداول ۳ تا ۵ خلاصه شده است. مقایسه میانگین‌های نشان‌گرهای بعد فرعی اعتماد بین‌شخصی در جدول ۳ نشان می‌دهد که اعتماد دانشجویان شرکت‌کننده به رانندگان تاکسی / ون (۲/۲۷)، ورزشکارها (۲/۳۶)، کارکنان بنگاه‌های املاک (۲/۴۸)، فروشندگان پوشاک (۲/۵۶)، فروشندگان لوازم خانگی (۲/۷۰)، رانندگان موتور (۲/۷۰)، روحانیان (۲/۷۵) و مسجدی‌ها (۲/۷۵) کم‌تر از سایر اقشار اجتماعی بوده و در عوض اعتماد بیش‌تری به ترتیب به اساتید دانشگاه (۲/۴۹)، معلمان مدارس (۳/۹۷)، پرستاران (۳/۹۰)، پزشکان (۳/۸۷)، رانندگان سرویس دانشگاه (۳/۶۲)، مدیران و معاونان دانشگاه (۳/۵۷) و کارکنان دانشگاه (۳/۴۰) دارند.

جدول ۳. توزیع نشان‌گرهای سرمایه اجتماعی در بعد فرعی اعتماد بین‌شخصی (تعداد=۴۲۰)

انحراف معیار	میانگین	حداکثر	حداقل	
۰/۵۰۱	۴/۴۹	۵	۴	استادان دانشگاه
۱/۰۳۷	۳/۴۰	۵	۱	کارکنان دانشگاه
۰/۹۳۷	۳/۱۰	۵	۱	دانشجویان دانشگاه
۱/۳۵۴	۶۲/۳	۵	۱	رانندگان سرویس دانشگاه (در صورت استفاده)
۱/۲۱۵	۲/۲۷	۵	۱	رانندگان تاکسی / ون مسیر دانشگاه - محل زندگی
۱/۰۳۹	۲/۷۰	۵	۱	فروشندگان لوازم خانگی
۱/۱۰۳	۲/۵۶	۵	۱	فروشندگان پوشاک
۰/۷۲۴	۳/۹۷	۵	۳	معلمان مدارس
۱/۲۹۴	۲/۷۵	۵	۱	روحانیان
۱/۲۸۵	۲/۷۵	۵	۱	مسجدی‌ها
۱/۰۱۷	۳/۳۶	۵	۱	ورزشکارها
۱/۱۷۶	۲/۸۰	۵	۱	هنرمندان
۱/۰۴۶	۲/۴۸	۵	۱	کارکنان بنگاه‌های املاک
۰/۸۷۷	۳/۳۴	۵	۱	کارگران ساختمانی
۱/۱۲۲	۲/۷۰	۵	۱	رانندگان موتور
۰/۶۸۴	۳/۹۰	۵	۳	پرستاران
۰/۶۸۴	۳/۹۰	۵	۳	پزشکان
۰/۶۷۴	۳/۸۷	۵	۳	پلیس‌ها
۰/۸۹۹	۳/۵۷	۵	۱	مدیران و معاونان دانشگاه‌ها

اعتماد بین‌شخصی



مقایسه میانگین‌های نشان‌گرهای بعد فرعی دیگر اعتماد نهادی در جدول ۴ از این نکته حکایت دارد که دانشجویان شرکت‌کننده به ترتیب، به قوه قضائیه (۳/۰۶)، بخش دولتی (۲/۸۵)، نیروی انتظامی (۲/۵۳)، نهادهای مذهبی (۲/۴۱) و مجلس شورای اسلامی (۲/۳۴) اعتماد بیش‌تری دارند.

جدول ۴. توزیع نشان‌گرهای متغیر سرمایه اجتماعی در بعد فرعی اعتماد نهادی (تعداد=۴۲۰)

انحراف معیار	میانگین	حداکثر	حداقل		
۰/۷۰۰	۲/۴۱	۵	۱	نهادهای مذهبی	اعتماد نهادی
۱/۱۳۴	۲/۵۳	۵	۱	نیروی انتظامی	
۰/۹۵۷	۳/۰۶	۵	۱	قوه قضائیه	
۰/۱۱۴	۲/۳۴	۵	۱	مجلس شورای اسلامی	
۰/۸۸۶	۲/۸۵	۵	۱	بخش دولتی	

در نهایت، مقایسه میانگین‌های نشان‌گرهای بعد شبکه اجتماعی در جدول ۵ بیان‌گر آن است که دانشجویان شرکت‌کننده به ترتیب، به کمک مادر (۳/۵۵)، همسر (۳/۱۶)، دوستان مدرسه‌ای (۳/۱۷) و پدر (۳/۰۸) امیدوارترند تا همسایگان محل سکونت (۲/۰۳)، دوستان دانشگاهی آقا (۲/۳۲) و هم‌کاران آقا (۲/۳۷).

متغیر سرمایه فرهنگی، به منزله یکی دیگر از متغیرهای مستقل این پژوهش، که از ترکیب ۱۸ نشان‌گر در طیفی ۵ درجه‌ای (اصلاً، خیلی کم، کم، زیاد و خیلی زیاد) اندازه‌گیری شده بودند، حاصل شده است. توزیع این متغیر و نشان‌گرها در جدول ۶ نشان داده است.

جدول ۵. توزیع نشان‌گرهای متغیر سرمایه اجتماعی در بعد شبکه اجتماعی (تعداد=۴۲۰)

انحراف معیار	میانگین	حداکثر	حداقل		
۱/۲۵۷	۳/۰۸	۵	۱	پدر	شبکه اجتماعی
۰/۹۹۶	۳/۵۵	۵	۱	مادر	
۰/۹۹۵	۲/۷۲	۵	۱	خویشاوندان پدری	
۱/۰۱۲	۲/۹۳	۵	۱	خویشاوندان مادری	
۰/۸۰۱	۲/۹۰	۵	۱	خویشاوندان پدری همسر (در صورت ازدواج)	
۰/۸۴۱	۲/۸۶	۵	۱	خویشاوندان مادری همسر (در صورت ازدواج)	
۰/۸۷۳	۳/۱۶	۵	۱	همسر (در صورت ازدواج)	

۹۰ تأثیر سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی در مواجهه زنان با رفتارهای غیراخلاقی

۰/۹۱۸	۲/۹۶	۵	۱	دوستان دانشگاهی خانم
۰/۸۴۹	۲/۳۲	۴	۱	دوستان دانشگاهی آقا
۰/۷۶۱	۲/۴۰	۴	۱	همکاران خانم
۰/۷۸۴	۲/۳۷	۴	۱	همکاران آقا
۰/۸۶۷	۲/۹۲	۴	۱	استادان دانشگاه محل تحصیل
۰/۷۸۹	۲/۰۳	۴	۱	همسایگان محل سکونت
۱/۰۲۸	۳/۱۷	۵	۱	دوستان مدرسه‌ای

بر حسب ارقام مذکور در جدول ۶ مشخص می‌شود که کم‌ترین و بیش‌ترین میزان سرمایه فرهنگی به ترتیب در حدود ۱/۳۹ و ۴/۳۹ واحد است. دانشجویان شرکت‌کننده به طور متوسط در حدود ۲/۸۲ واحد، نزدیک به حد متوسط، از سرمایه فرهنگی برخوردارند. مقایسه میانگین‌های نشان‌گرهای مذکور در جدول زیر نشان می‌دهد که سرمایه فرهنگی این دانشجویان بیش‌تر از همه از شرکت در فعالیت‌هایی نظیر یادگیری زبان‌های خارجی (۳/۲۹)، استفاده از رستوران‌های سنتی (۳/۲۶)، استفاده از رستوران‌های مدرن (۳/۲۱)، ورزش کردن (۳/۱۵) و مسافرت‌های داخل کشور (۳/۸) بوده و کم‌تر از همه از شرکت در فعالیت‌های مطالعه آثار اسلامی (۲/۰۰)، بازدید از موزه‌ها (۲/۲۲)، بازدید از گالری‌های هنری (۲/۲۵) و مسافرت‌های خارج از کشور (۲/۶۹) حاصل می‌شود.

جدول ۶. توزیع متغیر و نشان‌گرهای سرمایه فرهنگی (تعداد=۴۲۰)

انحراف معیار	میانگین	حداکثر	حداقل	شاخه‌ها	انواع فعالیت‌ها
۰/۹۱۹	۲/۷۱	۵	۱	آثار کلاسیک	مطالعه
۰/۹۳۲	۲/۹۲	۵	۱	آثار مدرن	
۱/۱۰۱	۲/۰۰	۵	۱	آثار اسلامی	
۱/۱۰۵	۲/۸۸	۵	۱	آثار سنتی	موسیقی
۱/۱۸۵	۲/۹۶	۵	۱	آثار مدرن	
۱/۱۱۵	۳/۱۵	۵	۱	ورزش	
۱/۱۸۵	۲/۹۶	۵	۱	خارجی	مسافرت
۱/۰۹۷	۳/۰۸	۵	۱	داخلی	
۰/۹۲۷	۳/۲۹	۵	۱	یادگیری زبان خارجی	
۰/۸۹۱	۳/۲۶	۵	۱	رستوران‌ها و غذاهای سنتی	خوراک
۰/۹۵۲	۳/۲۱	۵	۱	رستوران‌ها و غذاهای مدرن	

۰/۹۸۷	۳/۱۰	۵	۱	فست فود	فعالیت‌های فراغتی
۱/۰۵۹	۲/۱۱	۵	۱	بازدید از موزه	
۱/۰۴۷	۲/۲۵	۵	۱	بازدید از گالری‌های هنری	
۱/۲۱۱	۲/۶۹	۵	۱	حضور در کنسرت‌های موسیقی	
۱/۰۹۹	۲/۸۴	۵	۱	رفتن به سینما	
۱/۰۶۳	۲/۳۸	۵	۱	رفتن به تئاتر	
۰/۹۵۰	۲/۶۹	۵	۱	رفتن به نمایشگاه‌های کتاب	
۰/۶۷۲۴۸	۲/۸۲۸۷	۴/۳۹	۱/۳۹	سرمایه فرهنگی	

### ۳.۵ روابط دومتغیری

برای آزمون فرضیه‌های دومتغیری ارائه شده در بند فرضیه‌ها از ضریب هم‌بستگی اسپیرمن استفاده شد. پشتوانه روش شناختی استفاده از این ضریب به توزیع غیرنرمال متغیرهای وابسته و مستقل مرتبط است. بر اساس ارقام جدول زیر، این امکان فراهم شده که به آزمون فرضیه‌های اول، دوم و سوم پرداخته شود.

جدول ۷. رابطه سرمایه اجتماعی (و ابعاد اصلی و فرعی آن) و سرمایه فرهنگی با مواجهه با رفتارهای غیراخلاقی

مواجهه با رفتارهای غیراخلاقی			
مقدار هم‌بستگی	سطح معنی‌داری (تعداد)		
-۰/۴۱۳	۰/۰۰۰ (۳۹۷)	اعتماد بین شخصی	سرمایه اجتماعی
-۰/۴۷۱	۰/۰۰۰ (۴۰۸)	اعتماد نهادی	
-۰/۵۸۰	۰/۰۰۰ (۳۹۷)	اعتماد	
-۰/۱۶۰	۰/۰۰۱ (۴۰۸)	شبکه اجتماعی	
-۰/۴۴۶	۰/۰۰۰ (۳۹۷)	سرمایه اجتماعی	
۰/۵۳۳	۰/۰۰۰ (۳۹۶)	سرمایه فرهنگی	

طبق فرضیه اول، سرمایه اجتماعی با فعال‌سازی ساز و کارهای کنترل اجتماعی و علقه‌های اجتماعی، مواجهه زنان و دختران دانشجو با رفتارهای غیراخلاقی را کاهش می‌دهد. مقدار ضریب هم‌بستگی این دو متغیر  $-۰/۴۴۶$  بوده و در سطح  $۰/۰۰۰$  معنادار است. بر اساس این، کاملاً مشخص می‌شود که طبق نتایج به دست آمده از نمونه آماری مد نظر، افزایش سرمایه اجتماعی دختران و زنان دانشجو رابطه‌ای معکوس، در حد متوسط، با مواجهه با رفتارهای غیراخلاقی نشان می‌دهد.

این رابطه معکوس درباره ابعاد اصلی و فرعی این متغیر، یعنی اعتماد (اعتماد بین شخصی و اعتماد نهادی شده) و شبکه اجتماعی نیز صادق است. به سخن دیگر، با افزایش اعتماد، خواه بین شخصی باشد خواه نهادی شده، و نیز با افزایش شبکه اجتماعی، زنان و دختران دانشجو با رفتارهای غیراخلاقی کم‌تری مواجه می‌شوند.

دومین فرضیه بیانی غیرصریح با این عبارت دارد که سرمایه فرهنگی با «مواجهه زنان و دختران دانشجو با رفتارهای غیراخلاقی رابطه دارد. چنین گفتاری غیرصریح به شمار می‌رود؛ به دلیل این که گمانه‌ای مشخص درباره جهت رابطه میان دو متغیر مذکور مطرح نمی‌کند. به هر حال، مقدار ضریب هم‌بستگی این دو متغیر در حدود ۰/۵۳۳ محاسبه شده و در سطح ۰/۰۰۰ معنادار است. این نتیجه ادعاهای نظری آن دسته از پژوهش‌گران و اندیشمندانی که افزایش سرمایه فرهنگی زنان و دختران دانشجو را معادل ورود نابه‌هنگام آن‌ها به عرصه عمومی و به تبع آن معادل مواجهه بیش‌تر با رفتارهای غیراخلاقی قلمداد می‌کنند تأیید می‌کند.

ادعای فرضیه سوم این است که سرمایه فرهنگی در صورتی که منجر به افزایش سرمایه اجتماعی شود در کاهش مواجهه زنان و دختران دانشجو با رفتارهای غیراخلاقی اثری مثبت خواهد داشت. بدین ترتیب، برای آزمون این فرضیه لازم است به محاسبه ضریب هم‌بستگی میان دو متغیر مستقل این پژوهش، یعنی سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی پرداخته شود. این فرضیه زمانی تأیید خواهد شد که میان آن دو متغیر رابطه معنادار مستقیم برقرار باشد. طبق ارقام مذکور در جدول زیر مقدار ضریب هم‌بستگی محاسبه شده برابر با ۰/۱۳۸- است که در سطح ۰/۰۰۶ معنادار است. چنین نتیجه‌ای از وجود رابطه معنادار معکوس میان آن دو متغیر حکایت می‌کند، چیزی که از لحاظ جهت رابطه مؤید فرضیه سوم نیست. معمای این رابطه در همین جدول قرار دارد، جایی که در آن افزایش سرمایه فرهنگی از یک سو با کاهش معنادار سوئیة اعتماد و عناصر دوگانه آن، یعنی اعتماد بین شخصی و اعتماد نهادی و از سوی دیگر با افزایش معنادار سوئیة شبکه اجتماعی همراه است.

جدول ۸. رابطه سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی

سرمایه فرهنگی				
مقدار هم‌بستگی	سطح معنی‌داری (تعداد)			
-۰/۵۲۳	۰/۰۰۰ (۳۹۷)	اعتماد بین شخصی	اعتماد	سرمایه اجتماعی
-۰/۲۵۱	۰/۰۰۰ (۴۰۸)	اعتماد نهادی		

۰/۰۰۱ (۳۹۷)	-۰/۴۶۴	اعتماد	
۰/۰۰۱ (۳۹۷)	۰/۱۶۵	شبکه اجتماعی	
۰/۰۰۶ (۳۹۷)	-۰/۱۳۸	سرمایه اجتماعی	

#### ۴.۵ روابط چندمتغیری

در این بخش برای آزمون تک فرضیه چندمتغیری ارائه شده در بند فرضیه‌ها از روش آماری رگرسیون چندمتغیری استفاده شده است.

نتایج به دست آمده از رگرسیون چندمتغیری در جداول ۹ تا ۱۱ گزارش شده است. بر حسب ارقام در دو جدول زیر، این دو متغیر به طور هم‌زمان در حدود ۴۱ درصد از تغییرات مواجهه با رفتارهای غیراخلاقی در میان زنان و دختران دانشجو در نمونه آماری و جامعه آماری را تبیین می‌کنند.

جدول ۹. خلاصه مدل رگرسیونی «مواجهه با رفتارهای غیراخلاقی» بر حسب سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی

آنالیز واریانس		ضریب تعیین تعدیل شده	ضریب تعیین	ضریب هم‌بستگی چندگانه
مقدار F	سطح معناداری			
۱۳۶/۰۴۴	۰/۰۰۰	۰/۴۱۳	۰/۴۱۶	۰/۶۴۵

جدول ۱۰. ضرایب رگرسیونی سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی در مواجهه با رفتارهای غیراخلاقی

سطح معناداری	مقدار t	ضرایب غیراستاندارد		مقدار ثابت
		ضریب استاندارد	ضریب ناخالص	
۰/۰۰۰	۱۶/۱۷۵	۰/۱۴۱	۲/۲۴۸	
۰/۰۰۰	۱۱/۸۷۱	۰/۴۶۶	۰/۲۸۱	سرمایه فرهنگی
۰/۰۰۰	۱۰/۲۶۶	۰/۴۰۳	۰/۴۱۶	سرمایه اجتماعی

همان‌طور که در فرضیه چهارم بیان شد، سرمایه فرهنگی سهم بیش‌تری در این تبیین دارد تا سرمایه اجتماعی؛ با این تفاوت که در مواجهه با رفتارهای غیراخلاقی اولی تأثیر مثبت و دومی تأثیر منفی می‌گذارد.

در این جا لازم است برای استفاده مطلوب‌تر از داده‌های گردآوری شده و تحلیل دقیق‌تر نتایج، به محاسبه ضرایب تأثیر ابعاد اصلی و فرعی سرمایه اجتماعی در کنار سرمایه فرهنگی در مواجهه با رفتارهای غیراخلاقی پرداخته شود. این ضرایب در جدول ۱۱ ارائه شده است.

جدول ۱۱. ضرایب رگرسیونی ابعاد اصلی و فرعی سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی در مواجهه با رفتارهای غیراخلاقی

سطح معناداری	مقدار t	ضرایب غیراستاندارد		مقدار ثابت
		ضریب استاندارد	ضریب ناخالص	
۰/۰۰۰	۱۱/۹۷۳		۰/۱۷۹	۲/۱۴۱
۰/۰۰۰	۹/۹۸۹	۰/۴۷۲	۰/۰۲۸	۰/۲۴۸
۰/۲۰۷	-۱/۲۶۳	۰/۰۵۸	۰/۰۳۷	۰/۰۴۷
۰/۰۰۰	-۶/۹۰۷	۰/۲۸۶	۰/۰۲۳	۰/۱۶۲
۰/۰۰۰	-۵/۴۶۸	۰/۲۲۸	۰/۰۳۱	۰/۱۷۱

نکته مهمی که در جدول فوق دیده می‌شود این است که در میان ابعاد فرعی اعتماد، اعتماد بین شخصی تأثیر معناداری در کاهش مواجهه با رفتارهای غیراخلاقی نشان نمی‌دهد، اما اعتماد نهادی پس از سرمایه فرهنگی مؤثرترین عامل در تبیین مواجهه با رفتارهای غیراخلاقی قلمداد می‌شود.

## ۶. نتیجه گیری

این مقاله با اتخاذ رویکرد تبیینی نسبتاً جدید در حوزه جرم‌شناسی با عنوان قربانی‌شناسی، به کنکاش درباره تأثیرات مجزا و توأمان سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی در مواجهه آنان با جرایم غیراخلاقی پرداخته است. شایان ذکر است که این دو ویژگی به‌تازگی در میان زنان و دختران دانشجو برجسته شده است. دغدغه اصلی این مقاله پاسخ به این پرسش است که آیا به‌راستی کم و کیف تجربه جرایم اخلاقی به برخورداری زنان و دختران دانشجو از سرمایه‌های اجتماعی یا فرهنگی ربطی دارد یا نه؟

بر حسب نتایج پژوهش، جهت رابطه سرمایه اجتماعی و مواجهه با رفتارهای غیراخلاقی معکوس است. این رابطه معکوس درباره ابعاد اصلی و فرعی این متغیر، یعنی اعتماد (اعتماد بین شخصی و اعتماد نهادی شده) و شبکه اجتماعی نیز صادق است. به سخن دیگر، با افزایش اعتماد، خواه بین شخصی باشد خواه نهادی شده، و نیز با افزایش شبکه اجتماعی، زنان و دختران دانشجو با رفتارهای غیراخلاقی کم‌تری مواجه می‌شوند. هم‌چنین در تحلیل‌های چندمتغیری نکته مهمی دیده می‌شود و آن این است که در میان ابعاد فرعی اعتماد، اعتماد بین شخصی تأثیر معناداری در کاهش مواجهه با رفتارهای غیراخلاقی نشان نمی‌دهد، اما اعتماد نهادی پس از سرمایه فرهنگی مؤثرترین عامل در

تبیین مواجهه با رفتارهای غیراخلاقی قلمداد می‌شود. با مشاهده این رابطه معکوس سرمایه اجتماعی با مواجهه با رفتارهای غیراخلاقی در این پژوهش، فضای مناسبی برای تأیید ادعاهای نظری و نتایج پژوهش گیدنز (Hawdon and Ryan, 2009; Salmi and Kivivuori, 2006; Browning and et al., 2004; Gottfredson and DiPietro, 2011; Lewin et al, 2011; Wohlfarth et.al, 2001) (۱۳۸۸) فراهم شد که به ترتیب، بر تأثیر ادغام اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی، کنترل اجتماعی، حمایت اجتماعی و سازمان‌یافتگی روابط اجتماعی در مواجهه با رفتارهای غیراخلاقی تأکید می‌کنند. با وجود این، زنان و دخترانی که از سرمایه‌های اجتماعی بیش‌تری برخوردارند عملاً علقه‌های اجتماعی بیش‌تری با اعضای خانواده، همسایه‌های محل و هم‌کاران خود دارند و از این روی، از منابع کنترل اجتماعی بیش‌تری برخوردار می‌شوند. در نهایت، در قیاس با دیگرانی که از علقه‌های اجتماعی و به تبع آن از منابع کنترل اجتماعی کم‌تری برخوردارند، با رفتارهای غیراخلاقی کم‌تری روبه‌رو می‌شوند.

به‌رغم رابطه غیرصریح میان سرمایه فرهنگی با مواجهه با رفتارهای غیراخلاقی در مباحث نظری، در این پژوهش میان آن دو رابطه‌ای معکوس مشاهده شد. به سخن دیگر، رابطه سرمایه فرهنگی و مواجهه با رفتارهای غیراخلاقی تا حد زیادی غیرمنتظره است؛ به‌ویژه در زمانی که میل مفرط و عطش سیری‌ناپذیری در میان زنان ایرانی برای کسب سرمایه‌های فرهنگی دیده می‌شود. این نتیجه تأییدکننده ادعاهای نظری پژوهش‌گران و اندیشمندی نظیر استرادا و نیلسون (Estrada and Nilsson, 2004) و کاوانا (Kavanaugh, 2014) است که افزایش سرمایه فرهنگی را از طریق تغییر سبک زندگی و ذائقه‌های فرهنگی معادل ورود نابه‌هنگام آن‌ها به عرصه عمومی و به تبع آن، معادل مواجهه بیش‌تر با رفتارهای غیراخلاقی قلمداد می‌کنند. به لحاظ نظری، شاید بتوان تفاوت زنان و دختران دانشجوی در کم و کیف مواجهه با رفتارهای غیراخلاقی را به تفاوت در میدان‌هایی ربط داد که در آن‌ها به کسب سرمایه‌های فرهنگی مخصوص به خود مشغول‌اند. به طور مشخص، کسب امتیازات فرهنگی، نظیر نمرات درسی، مدارج و مدارک تحصیلی در میدان دانشگاهی با بازتولید قدرت در میدان دانشگاهی به دفع خطرات احتمالی پرداخته و امکان مواجهه کم‌تری با جرایم خاص آن میدان فراهم می‌کنند، اما این سرمایه فرهنگی خاص میدان دانشگاهی است و میدان‌های دیگر از آن تبعیت نمی‌کنند. بنابراین، سرمایه فرهنگی بالا در میدان دانشگاهی الزاماً از مواجهه زنان با رفتارهای غیراخلاقی در میدان‌های غیردانشگاهی نمی‌کاهد.

## پی‌نوشت

۱. بر همین مبنا، چنین ادعا می‌شود که هوش فرهنگی یکی از عناصر اصلی سرمایه فرهنگی است که با تماس‌های میان‌فرهنگی از طریق مسافرت و دید و بازدید میان کنش‌گران افزایش می‌یابد (یزدخواستی و هم‌کاران، ۱۳۹۰).

## منابع

- چلبی، مسعود (۱۳۷۵) *جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی*، تهران: نشر نی.
- صادقی فسایی، سهیلا و زهرا میرحسینی (۱۳۸۸). «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر ترس از رفتارهای غیراخلاقی در میان زنان شهر تهران»، *نامه علوم اجتماعی*، ش ۳۶.
- غفاری، غلامرضا (۱۳۸۷). «سازه سرمایه فرهنگی و منابع مولد آن»، *رشد علوم اجتماعی*، س ۱۲، ش ۲.
- یزدخواستی، گیسو، وحید قاسمی و فریدون وحیدا (۱۳۹۰). «رابطه تماس‌های فرهنگی و هوش فرهنگی؛ تحلیل نظری و تجربی»، *فصل‌نامه تحقیقات فرهنگی*، دوره چهارم، ش ۲.
- Anderson, M. D., B. Hansen and M. B. Walker (2013). "The Minimum Dropout Age and Student Victimization", *Economics of Education Review*, Vol. 35.
- Awan, Riffat-un-Nisa, Naz Anjum, Noureen Ghazala, Nasreen Abida, Aziz Shamsa and Hassan Hamid (2011). "Veiling and Unveiling: Attitudes and Experiences of University Students in the Punjab", *International Journal of Social Sciences and Education*, Vol. 1, No. 4.
- Brilli, Ylenia and Marco Tonello (2014). *Rethinking the Crime Reducing Effect of Education: the Role of Social Capital and Organized Crime*, Italy: European University Institute.
- Browning, C. R., S. L. Feinberg and R. D. Dietz (2004). "The Paradox of Social Organization: Networks, Collective Efficacy, and Violent Crime in Urban Neighborhoods", *Social Forces*, Vol. 83, No. 2.
- Bryk, Anthony S. and Barbara Schneider (2002). *Trust in Schools: A Core Resource for Improvement*, New York: Russell Sage Foundation.
- Estrada, Felipe and Anders Nilsson (2004). "Exposure to Threatening and Violent Behaviour Among Single Mothers: The Significance of Lifestyle, Neighbourhood and Welfare Situation", *The British Journal of Criminology*, Vol. 44, No. 2.
- Gottfredson, Denise C. and Stephanie M. DiPietro (2011). "School Size, Social Capital, and Student Victimization", *Sociology of Education*, Vol. 84, No. 1.
- Hawdon, James and John Ryan (2009). "Social Capital, Social Control, and Changes in Victimization Rates", *Crime & Delinquency*, Vol. 55, No. 4.
- Hjalmarsson, R. and L. Lochner (2012). "The Impact of Education on Crime: International Evidence", *Cesifo DICE Report*, Vol. 10, Is. 2.
- Johnson, Louise C. (2009). *Cultural Capitals Revaluating the Arts, Remaking Urban Spaces*, Cornel: TI International Ltd.



- Kavanaugh, Philip R. (2014). "Pathways on the Sexual Violence Continuum: A Lifestyles Theory of Victimization in Urban Nightlife", *Journal of Crime and Justice*, Vol. 38, Is. 4.
- Lewin, Amy, Stephanie J. Mitchell, Andrew Rasmussen, Kathy Sanders-Phillips and Jill G. (2011). "Do Human and Social Capital Protect Young African American Mothers From Depression Associated With Ethnic Discrimination and Violence Exposure?", *Journal of Black Psychology*, Vol. 37, No. 3.
- Nilsson, Anders and Felipe Estrada (2003). "Victimization, Inequality and Welfare During an Economic Recession: A Study of Self-Reported Victimization in Sweden 1988-99", *British Journal of Criminology*, Vol. 43, No. 4.
- Paccagnella, M. and P. Sestito (2014). "School Cheating and Social Capital", *Bank of Italy Working Paper*, No. 952.
- Antoinette Paludi, Michele and Richard Barickman (1991). *Academic and Workplace Sexual Harassment*, SUNY Press: the psychology of women.
- Salmi, Venla and Janne Kivivuori (2006). "The Association between Social Capital and Juvenile Crime: The Role of Individual and Structural Factors", *European Journal of Criminology*, Vol. 3, No. 2.
- Wilcox, P. (2010). "Theories of Victimization", in B. Fisher and S. Lab (eds.), *Encyclopedia of victimology and crime prevention*, Thousand Oaks: SAGE Publications.
- Wohlfarth, Tamar et.al (2001). "The relationship between Socio-Economic Inequality and Criminal Victimization: A Prospective Study", *Social Psychiatry*, Vol. 36, No. 7.